

ارزیابی راهکارهای پیشنهادی به منظور حل چالش جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری اسلامی

دکتر حسین میثمی* و دکتر سید عباس موسویان**

چکیده

در این پژوهش تلاش شده است تا با ارائه شش معیار، به ارزیابی مهم‌ترین راهکارهای شرعی پیشنهادی به منظور حل چالش جریمه تأخیر تأدیه در ایران و کشورهای دیگر پرداخته شود. معیارهای ارائه شده برای ارزیابی عبارتند از: جواز فقهی، تفکیک بین مشتری‌بان بد حساب، بازدارندگی، جبران خسارت، سادگی و ماهیت غیردرآمدی جریمه. یافته‌های پژوهش که به روش تحلیلی و توصیفی به دست آمده، نشان می‌دهد که هیچ‌یک از راهکارهای ارائه شده توانایی تأمین هم‌زمان تمامی معیارها را ندارد. پیشنهاد سیاستی این است که هر چند در کشورهای دیگر راهکار پرداخت جریمه به خیریه از سوی بیشتر فقهای اهل سنت تأیید شده و بانکداری اسلامی در جهان به‌طور کلی بر این اساس به فعالیت مشغول است، در نظام بانکداری بدون ربای ایران، تاکنون شیوه‌ای مناسب برای حل مشکل جریمه تأخیر تأدیه که از یک سوی از مشروعیت فقهی برخوردار بوده و از سوی دیگر، به لحاظ اقتصادی و بانکی نیز توجیه پذیر باشد، ارائه نشده است. این مسأله انجام پژوهش‌های آتی در مورد این چالش حل‌نشده را ضروری می‌نماید. همچنین، برای رفع اتهام ربا و کسب درآمد از تأخیر توسط بانک‌ها، بهتر است ترتیبی اتخاذ شود که جریمه حاصل از وجه التزام به دولت (بانک مرکزی) یا امور خیریه اختصاص پیدا کند.

واژگان کلیدی: جریمه تأخیر تأدیه، فقه امامیه، بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربا.

طبقه‌بندی JEL: D53, E52

۱. مقدمه

شاید به جرأت بتوان گفت که مهم‌ترین مشکل شبکه بانکی کشور در حال حاضر، مقوله مطالبات غیرجاری است. وجود این چالش به یقین آثار سوئی در نظام بانکی برجای خواهد گذاشت که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: ایجاد فضای بی‌اعتمادی و سوءظن، کاهش منابع بانک‌ها و پایین آمدن قدرت تسهیلات‌دهی آنها، دور شدن بانک‌ها از هدف اصلی خود، یعنی واسطه‌گری منابع، تحمیل هزینه‌های مرتبط با پیگیری وصول مطالبات (شامل صدور اجراییه، پیگیری‌های قضایی و موارد دیگر) به بانک‌ها، افزایش سخت‌گیری در امر وثیقه‌ها و ضمانت‌ها و متضرر شدن اقشار فقیر و متوسط جامعه به دلیل نداشتن وثیقه‌ها و ضمانت‌های معتبر و سرانجام، افزایش نرخ‌های سود قراردادهای مدت‌دار به دلیل پوشش ریسک مطالبات معوق.^۱

بر این اساس، طراحی شیوه‌های اسلامی به‌منظور دریافت جریمه تأخیر تأدیه، ضروری است. در این رابطه، راهکارهای گوناگونی توسط پژوهشگران بانکداری اسلامی در ایران و کشورهای دیگر به‌منظور حل مشکل شرعی جریمه تأخیر تأدیه ارائه شده است که مهم‌ترین آنها از سوی شورای نگهبان ارائه شده است. با توجه به اهمیت موضوع، به نظر می‌رسد ارزیابی و تحلیل راهکارهای مختلف و شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک، به ایجاد درک درست از مسأله کمک شایانی می‌کند.

در این پژوهش، تلاش شده است تا با ارائه معیارهایی مشخص، به نقد راهکار شورای نگهبان و راهکارهای دیگر پیشنهادی به‌منظور حل مشکل جریمه تأخیر تأدیه در چارچوب اسلامی پرداخته شود. شیوه ارائه مطالب بدین صورت است که پس از این مقدمه و ارائه پیشینه پژوهش، نظر شورای نگهبان (که مبنای عملکرد نظام بانکی کشور است) تبیین می‌شود. سپس، شش معیار به‌منظور ارزیابی راهکارهای مختلف ارائه شده و در ادامه هفت مورد از شیوه‌های پیشنهادی توسط پژوهشگران بانکداری اسلامی برای حل مشکل شرعی جریمه تأخیر، بررسی می‌شود. در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری مباحث ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در دوره اخیر، پژوهش‌هایی در مورد بحث جریمه تأخیر تأدیه در چهارچوب اسلامی انجام شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

تسخیری (۱۳۸۲) به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی مسأله جریمه تأخیر تأدیه با توجه به مسأله شرط کیفری مالی می‌پردازد. در این دیدگاه، جریمه تأخیر تأدیه گرامتی است که هر یک از طرفین قرارداد در زمان اجرای عقد به آن ملتزم می‌شوند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد دریافت جریمه تأخیر تأدیه به صورت شرط با ربای جاهلی تفاوت دارد؛ زیرا در بحث وجه التزام مطالبه اصلی وام‌دهنده از وام‌گیرنده، تأدیه به موقع بدهی است. این با منطق ربای جاهلی که در آن به بدهکار فرصت تأخیر در برابر پرداخت مبلغ بیشتر داده می‌شود، متفاوت است.

آهنگران و ملاکریمی (۱۳۸۹) دو مفهوم وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه را مورد کاوش فقهی و حقوقی قرار می‌دهند. در این دیدگاه، وجه التزام در واقع وجه پای‌بندی وام‌گیرنده به قرارداد منعقد شده، محسوب می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد وجه التزام می‌تواند در دو قالب حقوقی یعنی شرط کیفری مالی و شرط تعزیر مالی مطرح شود که هر دو دارای ماهیت تنبیهی و با هدف مجازات وام‌گیرنده‌ای است که از ایفای تعهدات خود کوتاهی می‌کند.

انصاری (۱۳۹۰) مسأله دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار را مورد توجه قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد در مسأله جریمه تأخیر تأدیه و وجه التزام، لازم است حتماً به وضعیت بدهکاران توجه شود؛ زیرا توجه به وضعیت بدهکار در شناسایی احکام مرتبط تأثیرگذار است.

موسویان و ملاکریمی (۱۳۹۵) با تبیین نقاط ضعف دیدگاه وجه التزام به عنوان رویکرد مورد استفاده در عمل، راهکار تعزیر مالی مشتریان را به‌عنوان جایگزین معرفی می‌کند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد راهکار وجه التزام در عمل تحریف شده و از ماهیت اصلی خود فاصله گرفته است. افزون بر این، با اشکالاتی مانند وجود شبهه ربا و یا برخورد یکسان با متخلفان مواجه است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هر چند در پژوهش‌های پیش‌گفته برخی از ابعاد مسأله جریمه تأخیر تأدیه بررسی شده و یا پیشنهادهایی برای حل چالش‌های فعلی شبکه بانکی در این زمینه مطرح شده است، اما پژوهشی که در آن با تبیین شاخص‌هایی مشخص به ارزیابی نقاط قوت و ضعف

راهکارهای پیشنهادی برای حل چالش جریمه تأخیر در چهارچوب اسلامی پرداخته باشد، انجام نشده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد این پژوهش، دارای نوآوری است.

۳. نظر شورای نگهبان به عنوان مبنای عملکرد نظام بانکی کشور

در حال حاضر نظام بانکی کشور در مقوله جریمه تأخیر تأدیه بر اساس نظر شورای نگهبان عمل می‌کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد لازم باشد تا نظر شورای نگهبان به صورت تفصیلی توضیح داده شود. سیر تاریخی ارائه نظر شورای نگهبان بدین صورت است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از مراجع تقلید استفتائاتی شد که منشأ تغییر قوانین گذشته شد. در یکی از این استفتائات (که از سوی انجمن اسلامی کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از حضرت امام خمینی (ره) انجام شد)، مقوله جریمه تأخیر تأدیه پرسیده شد که حضرت امام (ره) به صراحت اعلام کردند: «مبلغی که بابت تأخیر تأدیه گرفته می‌شود ربا و حرام است».^۱

با ادامه یافتن موضوع و به تدریج، مسأله از استفتائات فردی فراتر رفت و به شورای نگهبان (که مرجع تصمیم‌گیری در مورد قوانین پیش از انقلاب بود) رسید. این شورا در نامه‌های متعددی، قوانین مربوط به گرفتن خسارت تأخیر تأدیه را غیرشرعی اعلام کرد.^۲

حذف خسارت تأخیر تأدیه از نظام بانکی، مشکلات متعددی برای بانک‌های کشور ایجاد کرد. در واقع، افراد زیادی که تسهیلات کلان از بانک‌ها گرفته بودند، انگیزه‌ای برای پرداخت به موقع بدهی خود نداشتند و این اختلال زیادی در برنامه بانک‌ها به وجود می‌آورد. بر این اساس، بانک مرکزی با احساس خطر، به فکر مذاکره با شورای نگهبان افتاد و در این راستا نامه‌هایی بین بانک مرکزی و شورای نگهبان مبادله شد. آخرین نامه‌ای که منتهی به حل مشکل و تنظیم ماده خاصی در قراردادهای بانکی شد، در ادامه ذکر می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، فقهای شورای نگهبان با تغییر مختصری، پیشنهاد شورای پول و اعتبار را می‌پذیرند:^۳

۱. مهرپور، (۱۳۷۱). ص ۱۹۲.

۲. همان مأخذ. ص ۱۹۳.

۳. همان مأخذ. ص ۱۹۶.

- متن نامه بانک مرکزی: «شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ همان طور که استحضار دارند، نظر آن شورای محترم در خصوص اخذ جریمه ناشی از تأخیر تأدیه مطالبات بانکها از مشتریان خود طی نامه شماره ۵/۳۳۶ مورخ، ۱۳۶۱/۲/۶، استفسار گردید. لکن نظر به اینکه اجرای نظرات اصلاحی آن شورا [مبنی بر حرمت دریافت جریمه تأخیر تأدیه]، بانکها را عملاً مواجه با مشکلاتی می‌نمود، مراتب با حضور آیت‌اله غلامرضا رضوانی، عضو فقهای شورای نگهبان قانون اساسی، در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار مطرح گردید و قرار شد تغییرات لازم در این مورد به عمل آید. اکنون عین مفاد ماده‌ای که در قراردادهای نظام بانکی با مشتریان، تحت عنوان خسارت تأخیر تأدیه گنجانده می‌شود، جهت اظهار نظر تقدیم می‌گردد. خواهشمند است نظر آن شورا را در مورد این متن اعلام و مراتب را ابلاغ فرمایند: در صورت عدم تسویه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد، از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی، مبلغی به ذمه امضا کننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت. از این رو، وام و یا اعتبارگیرنده با امضای این قرارداد، ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد، علاوه بر بدهی تأدیه نشده، مبلغی معادل ۱۲٪ مانده بدهی برای هر سال، نسبت به بدهی مذکور برحسب قرارداد، به بانک پرداخت نماید».
- متن پاسخ شورای نگهبان: «رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ عطف به نامه شماره ۵/۴۰۹۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸، موضوع در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح گردید و بدین صورت اظهار نظر شد: عمل به ترتیبی که در چهارصد و هفتاد و نهمین جلسه شورای پول و اعتبار تصمیم گرفته شده و ضمیمه نامه فوق‌الذکر ارسال داشته‌اند، با اصلاح عبارت تسویه کامل بدهی به عبارت تسویه کامل اصل بدهی، اشکالی ندارد و مغایر با موازین شرعی نمی‌باشد».

این پاسخ مهم‌ترین پاسخ شورای نگهبان در مقوله تأخیر تأدیه و مبنای اصلی عملکرد نظام بانکی کشور است. پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در شهریور ۱۳۶۲ نیز نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن، مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد، متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی، مبلغی برابر ۱۲ درصد اصل بدهی، به عنوان وجه التزام به قرارداد، به بانک بپردازد.^۱ این راهکار در حال حاضر در شبکه بانکی کشور استفاده می‌شود؛ البته، نرخ جریمه در دوره‌های مختلف تغییر کرده است.

مرحوم آیت‌الله رضوانی از فقهای شورای نگهبان، در تبیین فقهی این دیدگاه می‌فرماید: «جریمه تأخیر، ربا نیست؛ بلکه بانک می‌گوید: سر ماه باید قسط خود را بپردازی؛ اگر نیاوری، در همان موقع باید فلان مبلغ را به عنوان جریمه بپردازی. نه اینکه جریمه را می‌دهی تا مبلغ قسط یک ماه دیگر پیش تو بماند. لذا تأخیر تأدیه، ربا نیست. حال که ربا نیست اگر در ضمن عقد یا قرض شرط شده باشد، حکم المؤمنون عند شروطهم را دارد و اشکالی به وجود نمی‌آید».^۲

۴. معیارهای راهکار مطلوب برای حل مشکل تأخیر تأدیه

پرسشی که در این قسمت مطرح می‌شود، آن است که: «بر چه اساس می‌توان راهکار شورای نگهبان و راهکارهای دیگر پیشنهادی برای حل مشکل جریمه تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی را بررسی کرد؟». به نظر می‌رسد، راهکار مناسب برای حل مشکل، لازم است علاوه بر مشروعیت فقهی، ابعاد اقتصادی و بانکی را پوشش دهد تا امکان عملیاتی شدن داشته باشد. بنابراین، مهم‌ترین معیارها در این خصوص عبارتند از:

۱. السان. (۱۳۹۰). ص ۱۱۱.

۲. موسویان و ملاکریمی. (۱۳۹۴). ص ۱۲۲.

۴-۱. جواز فقهی

راهکار پیشنهادی باید افزون بر ربوی نبودن، از جهات دیگر نیز اشکال شرعی نداشته و بر اساس روابط حقوقی مجاز طراحی شده باشد.

۴-۲. تفکیک بین مشتریان بد حساب

همان طور که پیشتر نیز تأکید شد، راهکار پیشنهادی باید بین علل و عوامل تأخیر تأدیه، تفکیک کند. در واقع، باید بتواند حداقل بین سه گروه از مشتریان بد حساب، یعنی: مُعسرین، فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت و سوءاستفاده‌کنندگان از تسهیلات، تفکیک نماید.^۱ با توجه به اهمیت زیاد این مسأله، در ادامه به توضیح کوتاه هر یک از سه گروه پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. بدهکاران مُعسر

نخستین گروه از مشتریان بد حساب، بدهکاران مُعسر هستند. این افراد کسانی هستند که از بانک تسهیلات دریافت کرده‌اند، اما به دلایل گوناگون از بازپرداخت آن، ناتوان شده‌اند. البته با توجه به اینکه بانک‌های کشور هنگام ارائه هر نوع تسهیلاتی به‌طور معمول ضامن و یا وثایق کافی از مشتریان دریافت می‌کنند، ناتوانی شخص مشتری در بازپرداخت به مُعسر شدنش، منجر نمی‌شود؛ بلکه اگر مشتری خود توان پرداخت نداشته باشد، بانک به ضامن مراجعه کرده و یا با فروش وثایقی که دریافت کرده است، بدهی خود را وصول می‌کند. بنابراین، صرفاً افرادی در این گروه (بدهکاران مُعسر) قرار می‌گیرند که نه خود توان پرداخت بدهی دارند، نه ضامنین آنها و نه اینکه وثایق خاصی برای فروش دارند.

حال، پرسش آن است که راهکار شرعی برای این گروه از مشتریان بد حساب چیست؟ بر اساس مبانی اسلامی (به ویژه آیه ۲۸۰ سوره بقره)، بانک‌ها وظیفه دارند به این مشتریان مهلت دهند و اگر هم (در شرایط خاص) بدهی این دسته از مشتریان را ببخشند، عمل خیری انجام داده‌اند که مورد تأیید آیات قرآن و روایات است.^۲

۱. انصاری. (۱۳۹۰). ص ۱۵.

۲. موسویان و میثمی. (۱۳۹۵). ص ۲۲۲.

۴-۲-۲. فعالان اقتصادی دارای مشکلات موقت

گروه دوم از مشتریان بد حساب در شبکه بانکی کشور، فعالان بخش‌های اقتصادی هستند که به‌رغم تمایل به بازپرداخت، قادر به پرداخت بدهی خود در شرایط فعلی نیستند. این افراد، بازرگانان، تولیدکنندگان و یا فعالان اقتصادی هستند که به علت‌های مختلف (مانند تحریم‌های اقتصادی، تصویب قوانین خاص و مشکلات مدیریتی)، به‌طور موقت قادر به ایفای تعهدات خود نسبت به بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیر بانکی نیستند. مهم‌ترین ویژگی افراد این گروه، آن است که پیشینه مثبتی در شبکه بانکی دارند. به‌طور مثال، شرکتی تولیدی که چندین سال است با یک بانک خاص رابطه داشته و اقساط خود را همواره به موقع پرداخته است (پیشینه مثبتی در شبکه بانکی دارد)، اما برای مدتی مشخص، مثلاً یک سال، به دلیل برخی مشکلاتی که شاید خود نیز در وقوع آنها تقصیری نداشته باشد، فعلاً امکان بازپرداخت ندارد.

راهکار پیشنهادی برای این گروه از مشتریان «استمهال بدهی‌ها» است. در واقع، بهترین گزینه هم برای بانک، هم برای مشتری و هم برای جامعه، آن است که بانک جریمه تأخیر این دسته از مشتریان را به صورت نقد دریافت کند (یا در موارد خاص ببخشد) و با تمدید قرارداد به شیوه‌ای درست و مشروع به مشتری برای بازپرداخت مهلت دهد.

این شیوه برای مشتری مفید است؛ چرا که دیگر نیازی به اجرای وثایق توسط بانک (که برای مشتری مشکل و هزینه ایجاد می‌کند) وجود ندارد. این شیوه برای بانک نیز مفید است؛ زیرا بانک از تحمل هزینه‌های صدور اجراییه و پیگیری‌های قضایی و قانونی مرتبط معاف می‌شود و از سوی دیگر، مشتری خود را نیز حفظ می‌کند. افزون بر این، مهلت دادن به برادران دینی که به‌طور موقت با مشکلاتی مواجه هستند، با اخلاق اسلامی و روحیه تعاون و همکاری که از مبانی دانش بانکداری اسلامی است، سازگاری بیشتری دارد. در نهایت، این شیوه برای جامعه نیز مفید است؛ به این دلیل که از تعطیل شدن یک بنگاه اقتصادی و بیکاری عده‌ای از افراد جامعه جلوگیری می‌کند.

۴-۲-۳. سوءاستفاده‌کنندگان

گروه سوم از مشتریان بد حساب در شبکه بانکی کشور، سوءاستفاده‌کنندگان از تسهیلات بانکی هستند. این بخش از بدهکاران، از ابتدا با ارائه فعالیت‌های به‌ظاهر موجه و مورد حمایت دولت، یا برای مقاصد دیگر، موفق به دریافت تسهیلات شده‌اند و یا اینکه مدیر و مالک یک بنگاه اقتصادی، به‌رغم سرمایه‌گذاری تسهیلات در فعالیت مربوطه و داشتن توجیه اقتصادی، مشاهده می‌کند که با تأخیر در پرداخت بدهی، سرمایه نقدی بدون هزینه‌ای در اختیارش قرار می‌گیرد که می‌تواند با استفاده از آن معاملات سودآوری داشته باشد.^۱

راهکار پیشنهادی برای این گروه از مشتریان، جریمه تأخیر تأدیه است. یعنی، با توجه به اینکه بانک بخش اصلی منابعی که در اختیار دارد، منابع وکالتی است که باید در فعالیت‌های سودده اقتصادی به کار گرفته شود، بهترین راه‌حل، در نظر گرفتن جریمه تأخیر برای تنبیه این دسته از مشتریان است؛ به گونه‌ای که مجبور به بازپرداخت شوند (جریمه ماهیت بازدارنده داشته باشد).

۴-۳. بازدارندگی

راهکار مطلوب باید بازدارنده باشد؛ یعنی باید به گونه‌ای طراحی شود که انگیزه سوء استفاده و تخلف را از بین ببرد؛ به گونه‌ای که بدهکاران در رابطه با پرداخت به موقع بدهی، انگیزه پیدا کنند.

۴-۴. جبران خسارت

بانک در اثر تأخیر تأدیه با انواع خسارت مواجه می‌شود. راهکار پیشنهادی باید خسارت‌های وارد بر بانک را تا حد امکان جبران کند.

۴-۵. سادگی

راهکار پیشنهادی باید به گونه‌ای طراحی شود که بتوان آن را به صورت آسان، سریع و کم‌هزینه به اجرا گذاشت. راهکاری که اجرای آن به لحاظ عملیاتی پیچیده باشد، مناسب نخواهد بود.

۴-۶. ماهیت غیردرآمدی جریمه

راهکار پیشنهادی باید به گونه‌ای طراحی شود که جریمه در حقیقت، ماهیت «تنبیهی» و «بازدارنده» داشته باشد و نه ماهیت درآمدی؛ یعنی جریمه دریافتی نباید به صورتی باشد که نوعی درآمد برای بانک به حساب آید؛ چرا که در این صورت شبهه کسب درآمد از تأخیر (که رکن اصلی ربای جاهلی است) تقویت می‌شود. نباید فراموش کرد که به لحاظ شرعی از مشتریان سوءاستفاده‌کننده نیز نمی‌توان ربای جاهلی دریافت کرد؛ زیرا این مسأله به لحاظ شرعی مورد تأیید نیست.

۵. ارزیابی راهکارهای پیشنهادی برای حل مشکل جریمه تأخیر تأدیه

در این قسمت تلاش می‌شود تا با استفاده از معیارهای پیشنهادی در قسمت پیشین، راهکار شورای نگهبان و نیز شیوه‌های دیگری که توسط پژوهشگران اقتصاد و بانکداری اسلامی طراحی شده است، بررسی و تحلیل شود.

۵-۱. جریمه تأخیر به عنوان وجه التزام (دیدگاه شورای نگهبان)

۵-۱-۱. تبیین

همان طور که در قسمت پیشین ذکر شد، مبنای اصلی نظر شورای نگهبان، دریافت جریمه تأخیر تأدیه با عنوان: «وجه التزام و پای‌بندی مشتری به قرارداد» به صورت شرط ضمن عقد است؛ به این معنا که مشتری هنگام دریافت تسهیلات تعهد می‌دهد در صورتی که به پرداخت به موقع اقساط ملتزم نبود، وجهی بابت این عدم التزام به بانک پرداخت کند.

۵-۱-۲. نقد

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که: «راهکار شورای نگهبان که در حال حاضر مبنای عملکرد شبکه بانکی کشور است، تا چه میزان با معیارهای ذکر شده در قسمت پیشین انطباق دارد؟».

در این رابطه، می‌توان مدعی بود که این راهکار از نظر فقهی محل اختلاف بوده و برخی از مراجع تقلید آن را تأیید و برخی رد می‌کنند.^۱

از نظر معیار دوم، یعنی تفکیک بین عوامل تأخیر، نیز این راهکار اشکال دارد؛ چرا که در این روش تفاوتی بین علل و عوامل تأخیر گذاشته نمی‌شود و همه به عنوان تخلف از پرداخت در سررسید جریمه می‌شوند (مگر افرادی که بتوانند اعسار خود را در دادگاه ثابت کنند). نقطه ضعف دیگر راهکار شورای نگهبان، درآمد به حساب آمدن جریمه دریافتی برای بانک است. در واقع، راهکار جریمه تأخیر در عمل تحریف شده و در برخی موارد مشاهده می‌شود که بانک‌ها به مشتری این اجازه را می‌دهند که در مقابل به تأخیر انداختن سررسید، مبلغ بیشتری پرداخت کند. این مسأله ماهیت بازدارنده وجه التزام را زیر سؤال می‌برد و ماهیت درآمدی آن برای بانک را برجسته می‌کند.

به‌رغم وجود این نقاط ضعف، این راهکار از نظر معیارهای دیگر قابل پذیرش است؛ چرا که اولاً، بدهکار به خاطر اجتناب از جریمه، انگیزه پیدا می‌کند تا بدهی خود را در سررسید مقرر تسویه

۱. نظرات برخی از مراجع تقلید در این رابطه بدین صورت است (موسویان و ملاکریمی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۴):

* امام خمینی (ره): «آنچه بانک و یا غیر بانک از بدهکار در صورت تأخیر پرداخت از تاریخ سررسید اضافه می‌گیرد، حرام است و گرفتن آن جایز نیست. هر چند که دو طرف معامله به این معنا تراضی داشته باشند».

* آیت‌اله بهجت (ره): «وجهی شرعی برای خسارت تأخیر تأدیه نیست».

* آیت‌اله سیستانی: «جایز نیست».

* آیت‌اله وحید خراسانی: «جریمه در مورد تأخیر پرداخت وام جایز نیست».

* آیت‌اله مکارم شیرازی: «باید وجه التزام در ضمن عقد خارج لازمی شرط شود».

* آیت‌اله سید علی خامنه‌ای: «طبق قانون عمل شود».

* آیت‌اله فاضل لنکرانی: «شرط پرداخت خسارت در ضمن عقد لازم، در صورتی که مقدر طرف باشد و حدود آن تقریباً معین گردد، ظاهراً بی‌اشکال است و اخذ آن در این فرض مانعی ندارد».

* آیت‌اله نوری همدانی: «بر اساس مقررات حکومت اسلامی عمل شود».

* آیت‌اله صافی گلپایگانی: «گرفتن اضافه بابت تأخیر پرداخت تأدیه جایز نیست؛ اما اگر به صورت شرط در عقد لازم قید، شود معتبر است».

* آیت‌اله اردبیلی: «با توافق طرفین مانعی ندارد؛ ولی احتیاطاً نباید ضمن همان عقدی باشد که بر اساس آن قرض می‌دهد».

* آیت‌اله تبریزی: «گرفتن مبلغ زیادی بابت تأخیر در ادای دین، ربا حساب می‌شود و جایز نیست؛ چه این زیادی را ضمن عقد شرط کند یا شرط نکند».

کند یا به حداقل برساند. ثانیاً، بانک از محل جرایم، خسارت وارد را تدارک می‌کند. ثالثاً، به دلیل نبود نیاز به محاکم قضایی و محاسبات پیچیده مالی، از سادگی نیز برخوردار است.

۵-۲. تشکیل شرکت مدیریت دارایی برای حل مسأله جرمه تأخیر تأدیه

۵-۲-۱. تبیین

یکی دیگر از شیوه‌هایی که برای حل مشکل مطالبات غیرجاری پیشنهاد شده است، تشکیل «شرکت مدیریت دارایی»^۱ است.^۲ بر اساس تعریف، «شرکت‌های مدیریت دارایی» در نظام پولی و مالی متعارف، مؤسساتی هستند که وظیفه مدیریت انواع مختلفی از دارایی‌ها را بر عهده می‌گیرند. دارایی این مؤسسات می‌تواند شامل: منابع نقد، سهام، اوراق بهادار، دارایی‌های منقول و غیرمنقول و در نهایت مطالبات تسهیلاتی و غیرتسهیلاتی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری باشد. در واقع، این مؤسسات دارایی‌های ذی‌نفعان را دریافت کرده و به نمایندگی از آنها به فرآیند مدیریت دارایی‌ها می‌پردازند. این مؤسسات در کشورهای مختلف به دو صورت انتفاعی و غیرانتفاعی به فعالیت مشغول‌اند. در مؤسسات مدیریت دارایی انتفاعی، خود مؤسسه نیز از عملیاتی که انجام می‌دهد سود می‌برد (علاوه بر کارمزد وکالت)؛ اما در مقابل، در مؤسسات مدیریت دارایی غیرانتفاعی، صرفاً به دریافت کارمزد بسنده می‌شود.^۳

شیوه پیشنهادی برای فعالیت این دسته از مؤسسات در نظام بانکی کشور می‌تواند بدین صورت باشد که «شرکت مدیریت دارایی»، مؤسسه‌ای مالی در نظر گرفته شود که «تسهیلات غیرجاری»^۴ بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی را بر اساس عقد بیع دین خریداری کرده و به صورت تخصصی پیگیری وصول آنها را انجام دهد. در واقع، شرکت جایگزین بانک در رابطه با مشتریان بد حساب شده و فرآیند وصول مطالبات غیرجاری را بر عهده می‌گیرد.

1. Asset Management Company (AMC)

۲. امین‌آزاد. (۱۳۹۲). ص ۱۰ و موسویان و میثمی. (۱۳۹۳). ص ۱۳.

3. Mishkin. (2013). P 221.

4. Nonperforming Loan (NPL)

به عنوان مثال می‌توان بانکی دولتی را در نظر گرفت که در مجموع ده هزار میلیارد تومان مطالبات معوق دارد. این بانک با مراجعه به شرکت مدیریت دارایی، برای فروش این دارایی‌ها به مؤسسه اعلام آمادگی می‌کند. در این مرحله شرکت با ارزیابی کارشناسی دارایی‌های غیرجاری، به بلوک‌بندی آنها با توجه به «ریسک نکولی»^۱ که دارند، اقدام کرده و در خصوص هر بلوک، نرخ تنزیل مشخصی در نظر گرفته می‌شود.^۲ از این رو، طبیعی است که بلوکی که ریسک بالاتری داشته باشد، با نرخ تنزیل بالاتری خریداری می‌شود.

پس از خریداری دیون غیرجاری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، کارشناسان حقوقی شرکت برای وصول مطالبات تلاش می‌کنند. به این معنا که با استفاده از مراجعه به ضامنین، به اجرا گذاشتن وثایق و شیوه‌های دیگر حقوقی، تلاش می‌کنند تا مطالبات را وصول کنند. با توجه به توانمندی حقوقی شرکت و اینکه در این موضوع به صورت تخصصی فعالیت می‌کند، امکان وصول مطالبات توسط شرکت بالاست (به‌یقین از خود بانک‌ها و مؤسسات بیشتر است).

نتیجه آنکه شرکت به ارزش اسمی دیون (ده هزار میلیارد تومان) دست می‌یابد، در حالی که آنها را با تنزیل از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی خریداری کرده است و از این محل انتظار می‌رود که به سود دست یابد. البته روشن است که وصول این مطالبات برای شرکت هزینه‌بر خواهد بود و سود پیش‌گفته پس از کسر تمامی این هزینه‌ها به‌دست می‌آید.

۵-۲-۲. نقد

حال، پرسشی که مطرح می‌شود آن است که الگوی پیشنهادی تا چه اندازه با معیارهای الگوی مطلوب که در قسمت‌های پیشین مطرح شد، انطباق دارد؟ گفتنی است که نخستین معیار «جواز فقهی» راهکار است. به لحاظ قراردادی تفاوتی بین این روش و راهکار شورای نگهبان وجود ندارد. در واقع، در

1. Default Risk

۲. مؤسسه به منظور تعیین ریسک هر بلوک می‌تواند از شاخص‌های مختلفی مانند مدت زمان سپری شده از سررسید دین، وثائق دریافتی از مشتری، رتبه اعتباری و پیشینه مشتری استفاده کند.

اینجا هم بانک در شرط ضمن عقد مشتری را مکلف می‌کند که در صورت تأخیر، جریمه مشخصی بپردازد.

اما نکته‌ای که در این الگو (بر خلاف الگوی مورد تأیید شورای نگهبان) وجود دارد، آن است که جریمه تأخیر تأدیه جزء درآمدهای بانک به حساب نیامده و شبیه «کسب درآمد توسط بانک از محل جریمه» را از بین می‌برد. در واقع، در اینجا شرط جریمه، صرفاً راهکاری برای وادار کردن بدهکار به پرداخت به موقع بدهی بوده و شرط زیاده نیست. علامت شرط زیاده نبودن هم آن است که بانک هیچ نوع منفعت اقتصادی از این جریمه‌ها نخواهد برد و بر این اساس، شبیه آن دسته از فقها و مراجع که از درآمدزا بودن جریمه‌ها برای بانک، انتفاعی بودن شرط ضمن عقد (و در نتیجه ربوی بودن آن را) نتیجه‌گیری می‌کنند، برطرف خواهد شد.

دومین معیار راهکار مطلوب، تفکیک بین مشتریان بد حساب است. در الگوی شرکت مدیریت دارایی، این امکان وجود دارد که شرکت با استفاده از توان تخصصی خود بین مشتریان بد حساب تفکیک کند. بنابراین، معیار دوم نیز در این رویکرد تأمین می‌شود.

سومین معیار، «بازدارندگی» است؛ یعنی راهکار مطلوب باید به گونه‌ای طراحی شود که انگیزه سوءاستفاده و تخلف را از بین ببرد؛ به صورتی که بدهکاران در مورد پرداخت به موقع بدهی، انگیزه پیدا کنند. با توجه به اینکه در این راهکار نیز به هر حال جریمه از مشتری دریافت می‌شود، بازدارندگی وجود خواهد داشت.

چهارمین معیار، «جبران خسارت» است. به این معنا که خسارت‌های بانک باید تأمین شود. با توجه به اینکه در این شیوه بانک مجبور است مطالبات خود را با نرخ‌های تنزیل بالا به شرکت بفروشد تا به نقدینگی دست یابد، جبران خسارت این شیوه برای بانک محل تردید است.

پنجمین معیار، «سادگی» است. گفتنی است که هر چند ایده تشکیل شرکت مدیریت دارایی در ابتدا ساده به نظر نمی‌رسد، اما اگر شرکت تشکیل شده و با ساختاری مناسب به فعالیت مشغول شود، آنگاه در میان مدت و بلندمدت به سادگی می‌تواند نسبت به تنزیل مطالبات غیرجاری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی اقدام کند.

۵-۳. اجرای وثیقه‌ها و ضمانت

۵-۳-۱. تبیین

برخی برای حل مشکل تأخیر تأدیه، پیشنهاد می‌کنند که بانک‌ها از متقاضیان تسهیلات وثیقه‌ها و ضمانت‌های کافی و معتبر دریافت کرده و در مواقع تخلف و تأخیر تأدیه، با به اجرا گذاشتن آنها، مطالبات خود را وصول کنند.^۱

۵-۳-۲. نقد

این روش گرچه از نظر شرعی درست و مورد تأیید روایات و فتاوای فقهای بزرگوار بوده و بانک‌ها معمولاً از آن برای تضمین اصل تسهیلات استفاده می‌کنند و در موارد خاص (جایی که تمام راه‌ها برای وصول مطالبات بسته می‌شود)، وثیقه‌ها و ضمانت‌ها را به اجرا می‌گذارند، ولی استفاده از این روش برای حل مشکل تأخیر تأدیه، با مشکلات متعددی مواجه است.

نخستین مشکل، افزایش هزینه‌های وصول مطالبات است. در واقع، به دلیل آنکه مطابق قوانین بیشتر کشورها، فروش وثیقه‌ها و به اجرا گذاشتن ضمانت‌ها، نیازمند طی مراحل خاص قضایی است که این خود مستلزم صرف هزینه، تشکیل پرونده، صدور اجرائیه و سپری شدن مدت زمان زیاد است، استفاده از این راهکار به افزایش هزینه‌های بانک می‌انجامد.

دومین مشکل این شیوه، آن است که فعال شدن غیرمترعارف اجرای وثیقه‌ها و ضمانت‌ها، باعث می‌شود افراد به راحتی بدهی همدیگر را ضمانت نکنند و اسناد مالی خود را برای وثیقه به همدیگر نسپارند. این باعث می‌شود که تعداد مشتریان دارای وثیقه و ضمانت معتبر برای بانک‌ها کاهش یابد و به افراد ثروتمند منحصر شود و این خود عوارض نامطلوب زیادی به همراه خواهد داشت.

سومین مشکل این روش، عدم جبران کامل خسارات طلبکار است. در واقع، به اجرا گذاشتن وثیقه‌ها و ضمانت‌ها، افزون بر طولانی‌تر کردن مدت تأخیر، خسارت‌های وارد بر بانک (طلبکار) را از نظر کاهش ارزش پول و از دست رفتن منافع مورد انتظار جبران نمی‌کند؛ حداکثر اینکه بانک بتواند هزینه‌های مستقیم دادرسی را مطالبه کند. عدم تفکیک بین عوامل تأخیر، مشکل دیگر استفاده از این

روش است. در واقع، راهکار اجرایی وثیقه و ضمانت‌ها، بین علل و عوامل تأخیر تأدیه فرق نمی‌گذارد و همه را به چشم متخلف نگاه می‌کند. در حالی که گروهی از بدهکاران به دلیل اعسار و ناتوانی باید مشمول مهلت و تخفیف قرار گیرند و به گروهی دیگر (فعالان اقتصادی با مشکلات موقت) مهلت داده شود و از راهکارهای استمهال در رابطه با آنها استفاده شود.

بنابراین، گرچه این راهکار دو معیار جواز فقهی و بازاریابی را تأمین می‌کند، اما از تأمین چهار معیار دیگر، یعنی تفکیک بین مشتریان بد حساب، جبران خسارت، سادگی و درآمد نبودن جریمه دریافتی عاجز بوده و نمی‌تواند به عنوان راهکار مطلوب و عملیاتی در نظر گرفته شود.

۴-۵. اشتراط خسارت تأخیر تأدیه

۱-۴-۵. تبیین

برخی از اندیشمندان برای حل مشکل تأخیر تأدیه، به عنوان خسارت تمسک کرده و معتقدند بانک (طلبکار) حق دارد خسارت‌های وارد از ناحیه تأخیر تأدیه (به ویژه خسارت ناشی از کاهش ارزش پول)، را از مشتری (بدهکار تأخیرکننده) دریافت کند؛ به‌ویژه اگر ضمن قرارداد به چنین حقی توافق شده باشد.^۱

۲-۴-۵. نقد

این دیدگاه به لحاظ فقهی محل اختلاف بوده و برخی از فقها و مراجع با آن مخالفند. افزون بر این، از میان عوامل تأخیر، تنها معسرین جدا می‌شوند و به افرادی که نه به خاطر تخلف، بلکه به خاطر تغییر شرایط اقتصادی تأخیر در پرداخت دارند، توجه خاصی نشده و با آنها همانند سوءاستفاده‌کنندگان از تسهیلات برخورد می‌شود. این راهکار، معیار سوم یعنی بازاریابی را نیز تأمین نمی‌کند؛ چرا که برای بدهکاران انگیزه کافی برای پرداخت به موقع ایجاد نمی‌کند.

در واقع، بدهکار می‌بیند در صورت تأخیر، تنها موظف می‌شود در حد نرخ تورم خسارت بپردازد و این در حالی است که استفاده از بدهی یادشده، ممکن است بیش از تورم برایش منفعت

۱. یوسفی. (۱۳۸۱). ص ۱۵۷.

داشته باشد. در مورد جبران خسارت نیز در این راهکار بانک تنها یک نوع از خسارت‌ها را دریافت می‌کند و خسارت‌های دیگر (به ویژه خسارت ناشی از عدم نفع و هزینه فرصت وجوه) را نمی‌تواند از مشتری دریافت کند. در این راهکار نیز جریمه دریافتی به عنوان درآمد بانک شناسایی می‌شود. البته این راهکار در صورت عملیاتی شدن ساده خواهد بود و بانک به راحتی می‌تواند به اندازه نرخ تورم مطالبه خسارت کند.

۵-۵. تعزیر مالی متخلف

۵-۵-۱. تبیین

گیرندگان تسهیلات بانک‌ها، با تأخیر در پرداخت اقساط و نقض تعهدات خود، افزون بر ایجاد ضرر و زیان مالی برای بانک‌ها، آسیب‌های غیرقابل جبران اجتماعی و اقتصادی به کل جامعه وارد می‌کنند. به همین دلیل، حاکم شرع می‌تواند برای حفظ مصالح اجتماع، این عده از پیمان‌شکنان را همانند معصیت‌کاران و پیمان‌شکنان دیگر تعزیر کند و یکی از انواع تعزیر، مجازات مالی است. بنابراین، بر اساس این راهکار دولت اسلامی می‌تواند تأخیرکنندگان از پرداخت بدهی بانک‌ها را به دلیل ایجاد اختلال در نظام پولی و اعتباری، جریمه نقدی کند.^۱ این راهکار از نظر شیوه اجرا، به صورت‌های مختلف تصویر و پیشنهاد شده است که در ادامه به بررسی این صورت‌ها پرداخته می‌شود.

الف) مجازات مالی متخلف به نفع بیت‌المال

بر اساس این شیوه، بانک‌ها اسامی افرادی را که نقض عهد کرده و از پرداخت بدهی در سررسیدهای مقرر کوتاهی کرده‌اند، به محاکم قضایی اعلام می‌کنند و محاکم متناسب با مبلغ و مدت تأخیر، متخلفان را جریمه مالی کرده و مبالغ دریافتی به بیت‌المال و خزانه دولت واریز می‌شود.

۱. آهنگران و ملاکریمی. (۱۳۸۹). ص ۱۵.

ب) تشکیل صندوق خیریه

گروهی برای اجتناب از ربا پیشنهاد داده‌اند که دولت برای حمایت از اقشار مستمند (از جمله حمایت از ورشکسته‌ها و مُعسرین)، صندوق خیریه‌ای تشکیل دهد و جرایم دریافتی از متخلفان مالی توسط محاکم قضایی به این صندوق‌ها واریز شده تا در امور خیر صرف شود.^۱

پ) تشکیل صندوق حمایت از طلبکاران

بر اساس این پیشنهاد، دولت صندوقی را در حمایت از طلبکاران تشکیل می‌دهد. این صندوق دو مسئولیت خواهد داشت؛ نخست، به عنوان وکیل طلبکاران، اسامی و اسناد مالی متخلفین را از بانک‌ها دریافت کرده و از طریق محاکم قضایی به وصول مطالبات معوق به نفع طلبکاران و جرایم مالی مربوط به نقض قراردادهای به نفع صندوق اقدام می‌کند. ثانیاً، از محل جرایم نقدی انباشت شده، به صورت علی‌الحساب مطالبات بانک‌ها را می‌پردازد. در واقع، پس از اعلام اسامی بدهکاران و تحویل اسناد مالی به صندوق، صندوق بی‌درنگ برابر طلب بانک را از محل دارایی خود می‌پردازد و سپس از سوی بانک وکیل در وصول اصل طلب و از سوی دولت وکیل در وصول جرایم نقدی می‌شود. بدین ترتیب از یک سوی، فرد متخلف جریمه مالی می‌شود و از سوی دیگر، بانک بدون تأخیر، به طلب خود می‌رسد.

ت) تفویض امر قضایی به بانک‌ها

بر اساس این پیشنهاد، همان‌طور که مثلاً پلیس راهنمایی و رانندگی از سوی دولت و دستگاه قضایی مأموریت دارد بر اساس قوانین و مقررات، رانندگان متخلف را جریمه کند، دولت و دستگاه قضایی بر اساس قوانین و ضوابط معینی، به بانک‌ها اجازه می‌دهند تا افراد متخلف را متناسب با مبلغ و مدت تأخیر به نفع بانک جریمه کنند.

۵-۵-۲. نقد

شیوه‌های چهارگانه راهکار تعزیر مالی از نظر معیارهای ارزیابی حل مشکل تأخیر تأدیه وضعیت‌های متفاوت دارند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱. القری. (۱۳۸۴). ص ۴.

- **جواز شرعی:** شیوه‌های چهارگانه از نظر جواز شرعی متفاوت هستند. در حالی که دو شیوه اول و دوم می‌توانند درست باشند، شیوه سوم و به‌ویژه چهارم محل تردید جدی است؛ چرا که مسأله تعزیر مخصوص حاکم شرع و محاکم بوده و نمی‌تواند به طور کامل به دیگری واگذار شود. افزون بر این، همان طور که برخی از مراجع تقلید تأکید کرده‌اند، تعزیر حکم عمومی نیست که بتواند در مورد همه یکسان اجرا شود؛ بلکه باید مورد به مورد و از فردی به فرد دیگر تفاوت کند.^۱
- **تفکیک بین عوامل تأخیر:** از آنجا که شیوه‌های اول تا سوم راهکار تعزیر مالی مبتنی بر رأی قضایی است و به طور معمول در قوانین و مقررات قضایی بین موارد اعسار و ورشکستگی با موارد دیگر فرق می‌گذارند، معیار تفکیک تا حدودی رعایت می‌شود (البته همچنان بین فعالان اقتصادی با مشکلات موقت و سوءاستفاده‌کنندگان تفکیکی انجام نمی‌شود). اما شیوه چهارم، مبتنی بر کیفیت تفویض اختیار است و به طور معمول بانک‌ها حساسیتی بین موارد اعسار با غیر آن ندارند. بنابراین، این راهکار این معیار را به طور کامل تأمین نمی‌کند.
- **ایجاد انگیزه:** شیوه‌های چهارگانه راهکار تعزیر مالی همگی برای پرداخت به موقع بدهی ایجاد انگیزه می‌کنند.
- **جبران خسارت:** در شیوه اول و دوم که جرایم مالی به خزانه دولت یا صندوق خیریه تعلق می‌گیرد، خسارت وارد بر بانک به هیچ صورت تدارک نمی‌شود؛ اما در شیوه سوم، بخشی از خسارت جبران می‌شود و در شیوه چهارم، کل خسارت وارد در قالب جریمه‌ای که به بانک تعلق پیدا می‌کند، جبران می‌شود.
- **کارایی:** شیوه‌های سه‌گانه اول تا سوم راهکار تعزیر مالی، که مبتنی بر تشکیل پرونده قضایی است، زمان‌بر و پرهزینه است؛ اما شیوه چهارم که توسط خود بانک اجرا می‌شود، کم‌هزینه است.
- **درآمد به حساب نیامدن جریمه:** این مسأله در برخی شیوه‌ها وجود دارد و نه در تمامی آنها.

۵-۶. الزام متخلف به قرض بدون بهره به میزان تخلف (مقابله به مثل)

۵-۶-۱. تبیین

برخی از اندیشمندان مسلمان پیشنهاد داده‌اند کسانی که در پرداخت بدهی تأخیر می‌کنند، به پرداخت قرض بدون بهره به میزان و مدت تأخیر ملزم شوند.^۱ این پیشنهاد به دو صورت قابل اجراست. حالت نخست به صورت شرط ضمن عقد است. به این بیان که گیرنده تسهیلات بانکی ضمن قرارداد شرعی (مانند مرابحه) متعهد شود که چنانچه در پرداخت بدهی خود کوتاهی و تأخیر کند، به میزان و مدت تأخیر، قرض بدون بهره در اختیار بانک بگذارد. حالت دوم نیز بدین صورت است که از طریق قضایی، تأخیرکننده موظف به اعطای قرض متقابل شود.

۵-۶-۲. نقد

شیوه نخست این راهکار از نظر شرعی شبیه راهکار شورای نگهبان (یعنی شرط جریمه تأخیر تأدیه در ضمن قرارداد) است. در واقع، چون شرط اعطای قرض بدون بهره از دید عرف ارزش مالی دارد، همانند شرط دریافت جریمه مالی توسط بانک است؛ اما شیوه دوم همانند تعزیر مالی متخلف از طریق قضایی است و به نظر می‌رسد اشکال شرعی نخواهد داشت.

افزون بر مسأله فقهی، این راهکار چالش‌های دیگری نیز دارد؛ چرا که اولاً، شیوه نخست آن بین عوامل تأخیر فرقی نمی‌گذارد. ثانیاً، هر دو شیوه آن، انگیزه کافی در بدهکار برای بازپرداخت ایجاد نمی‌کند. ثالثاً، تنها بخشی از خسارت‌های وارد بر بانک را جبران می‌کند و از نظر سادگی نیز شیوه دوم مبتنی بر طی مراحل قضایی است و همان مشکلات و هزینه‌هایی را که پیشتر ذکر شد، دارد. اشکال دیگر این راهکار این است که بیشتر گیرندگان تسهیلات اصولاً منابع مازادی ندارند که به صورت قرض بدون بهره در اختیار بانک بگذارند. سرانجام اینکه در این شیوه نیز جریمه دریافتی به عنوان درآمد بانک به حساب می‌آید.

۵-۷. الزام متخلف به پرداخت جریمه برای فعالیت‌های خیریه (راهکار بانک‌های اسلامی کشورهای دیگر)

۵-۷-۱. تبیین

راهکار دریافت جریمه و اختصاص آن به فعالیت‌های خیریه، شیوه‌ای است که تقریباً در بیشتر بانک‌های اسلامی کشورهای اسلامی و غیراسلامی استفاده می‌شود. در این شیوه، بانک در تمامی قراردادهای شرط ضمن عقدی درج می‌کند مبنی بر اینکه: «تسهیلات گیرنده می‌پذیرد در صورتی که بدون دلایل موثق از پرداخت بدهی‌هایش کوتاهی کند، مبلغی را به حساب خیریه خود بانک و یا حساب مؤسسه خیریه‌ای که بانک معرفی می‌کند، واریز خواهد کرد».

بر اساس این شرط، بانک مشتریان بد حساب را مجبور می‌کند تا مبلغی را به فعالیت‌های خیریه اختصاص دهند. در بیشتر بانک‌های اسلامی، بانک خود حسابی مشخص برای فعالیت‌های خیریه دارد و منابع واریزی به این حساب صرفاً به فعالیت‌های خداپسندانه اختصاص می‌یابد؛ اما در برخی بانک‌های اسلامی دیگر، بانک مؤسسه خیریه‌ای را معرفی می‌کند و مشتری موظف است با مراجعه به این مؤسسات، مبالغ جریمه را به آنها بپردازد.^۱

۵-۷-۲. نقد

این راهکار نیز نقاط قوت و ضعف قابل توجهی دارد. نخستین نقطه قوت این راهکار آن است که با مبانی فقهی اهل سنت و شیعه سازگاری دارد.^۲ در واقع، مبنای اصلی این راهکار، شرط ضمن عقد است که به لحاظ فقهی قابل دفاع است. از این منظر، راهکار استفاده‌شده در کشورهای دیگر با راهکار مورد تأیید شورای نگهبان که در بانک‌های کشور استفاده می‌شود، یکسان است. نقطه قوت اساسی دیگر در این راهکار (بر خلاف راهکار شورای نگهبان) آن است که جریمه‌های گردآوری شده به هیچ عنوان به عنوان درآمد بانک به حساب نمی‌آید و این به واقعی شدن ماهیت جریمه‌ای وجه دریافتی به علت تأخیر منجر می‌شود.

1. Sulayman. (2011). P 31.

۲. بادینی و حسامی. (۱۳۹۱). ص ۱۱.

در واقع، به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های اصلی در شیوه اجرایی استفاده‌شده در کشور آن است که بانک‌ها جریمه‌های دریافتی را به عنوان درآمد خود از تأخیر تأدیه مشتری به حساب آورده و با آن برخوردی مشابه درآمدهای دیگر دارند. این خود باعث شده است که این شبهه در ذهن برخی از فقها، اندیشمندان و حتی عموم مردم شکل بگیرد که طلبکار (بانک) از تأخیر، درآمد کسب می‌کند؛ اما این نقد در مورد راهکار استفاده‌شده در کشورهای دیگر وجود ندارد؛ چرا که بانک به مشتری اعلام می‌کند که هیچ انگیزه مادی از دریافت جریمه ندارد و این جریمه صرفاً به منظور تنبیه مشتری و الزامی برای بازپرداخت است (دقیقاً مشابه دریافت وثیقه).

نقطه قوت دیگر این راهکار آن است که باعث می‌شود حجم منابع لازم برای فعالیت‌های خیریه و اجتماعی بانک افزایش یابد. در واقع، در این شیوه بانک همه ساله منابع قابل توجهی به دست خواهد آورد که می‌تواند آن را برای پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان، ساخت مدارس و مساجد در مناطق محروم و موارد دیگر اختصاص دهد که از یک سوی، با روح و اهداف بانکداری اسلامی سازگار است و از سوی دیگر، باعث می‌شود وجهه اسلامی بودن بانک نزد عموم مردم افزایش یابد.

ویژگی دیگر این راهکار آن است که می‌تواند مشکل وجود دیدگاه‌های اختلافی میان فقها و مراجع را در عمل بی‌تأثیر نماید. در واقع، همان‌طور که پیشتر ذکر شد، موضوع دریافت جریمه تأخیر تأدیه به عنوان شرط ضمن عقد همچنان با نظر برخی از فقها سازگار نیست و این دسته از اندیشمندان آن را حرام می‌دانند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه بخشی از مشتریان شبکه بانکی و کارمندان بانک‌ها از این دسته از مراجع تقلید می‌کنند، اگر این درآمدهای غیرمشروع وارد استخر وجوه بانک شود، موجب نگرانی مقلدان مراجع یادشده را پیش می‌آورد؛ اما در شیوه عملیاتی استفاده‌شده در بانک‌های اسلامی کشورهای دیگر، این منابع با منابع دیگر مخلوط نشده و از این نظر، برای مقلدان مراجعی که جریمه تأخیر تأدیه را به صورت شرط ضمن عقد حرام می‌دانند، مشکلی ایجاد نمی‌شود.

به‌رغم وجود این نقاط قوت، این شیوه از نقاط ضعفی نیز برخوردار است. مهم‌ترین نقطه ضعف این راهکار، عدم تفکیک بین مشتریان بد حساب است. در واقع، هر چند مُعسرین در این راهکار تخفیف می‌یابند و به آنها مهلت داده می‌شود، اما بین فعالان اقتصادی با مشکلات موقت و سوءاستفاده‌کنندگان تفکیکی صورت

نمی‌گیرد و با هر دوی آنها به یک صورت برخورد می‌شود (اساساً بانک به لحاظ تخصصی توانایی کافی برای انجام چنین تفکیکی ندارد و این کار باید توسط نهادی تخصصی و مستقل از بانک انجام شود). از سوی دیگر در این شیوه، خسارت‌های بانک به طور کامل جبران نمی‌شود؛ البته معمولاً بانک‌های اسلامی در ایران و کشورهای دیگر همه ساله بخشی از منابع خود را به فعالیت‌های خیریه اختصاص می‌دهند که با اجرایی‌سازی این شیوه، دیگر لازم نیست از منابع اصلی بانک برای این شیوه‌ها استفاده شود؛ بلکه از منابع حاصل از جریمه برای این کارها استفاده خواهد شد و با این کار بخشی از منابع بانک ذخیره می‌شود و این خود نوعی جبران خواهد بود.

بر اساس آنچه مطرح شد، می‌توان مدعی بود که راهکار استفاده‌شده در کشورهای دیگر به لحاظ معیارهای تفکیک بین مشتریان بد حساب و جبران خسارت بانک، دارای ضعف است، اما به لحاظ جواز فقهی، بازدارندگی و سادگی از قابلیت خوبی برخوردار است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با بررسی تاریخی قوانین و مقررات مرتبط با جریمه تأخیر تأدیه، راهکار شورای نگهبان و برخی از راهکارهای پیشنهادی، ارزیابی و نقد شود. این ارزیابی نیز با استفاده از شش معیار انجام شد که عبارت بودند از: جواز فقهی، تفکیک بین مشتریان بد حساب، بازدارندگی، جبران خسارت، سادگی و ماهیت غیردرآمدی جریمه. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هیچ یک از راهکارها توانایی تأمین تمامی معیارها را ندارد. به طور مشخص، راهکار شورای نگهبان (دریافت جریمه به صورت شرط ضمن عقد)، از نظر فقهی محل اختلاف فقها و مراجع تقلید است؛ بین مشتریان بد حساب هیچ تفکیکی نمی‌کند و در نهایت اینکه جریمه دریافتی به عنوان درآمد بانک به حساب آمده و این شبهه کسب درآمد از تأخیر (که ماهیت ربای جاهلی است) را تقویت می‌کند. همچنین، این راهکار در عمل دچار تحریف‌شده و در برخی موارد مشاهده می‌شود که بانک‌ها به مشتری این اجازه را می‌دهند که در مقابل به تأخیر انداختن سررسید، مبلغ بیشتری پرداخت کند. این مسأله ماهیت بازدارنده وجه التزام را زیر سؤال می‌برد.

راهکار پیشنهادی این پژوهش، آن است که هر چند در کشورهای دیگر راهکار پرداخت جریمه به امور خیریه مورد تأیید بیشتر فقهای اهل سنت واقع شده و بانکداری اسلامی در جهان نیز بر همین اساس به فعالیت مشغول است، اما در نظام بانکی کشور تاکنون شیوه‌ای مشروع و کارا برای مشکل جریمه تأخیر تأدیه ارائه نشده است. بنابراین، ضروری است که اولاً، پژوهش‌های آتی ابعاد این مسأله مهم را مورد کاوش علمی دقیق قرار دهد و ثانیاً، برای رفع اتهام ربا و کسب درآمد از تأخیر توسط بانک‌ها، ترتیبی اتخاذ شود که جریمه حاصل از وجه التزام به دولت (بانک مرکزی) یا امور خیریه اختصاص پیدا کند.

منابع

- ابن کثیر، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالخیر.
- احمدوند، ولی‌اله. (۱۳۸۳). آثار و احکام شرط تعیین خسارت ناشی از تأخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان. فصلنامه مصباح، شماره ۵۳.
- امام خمینی، سید روح‌اله. (۱۴۱۶ق). تحریر الوسیله. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امام خمینی، سید روح‌اله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- امین‌آزاد، امیرحسین. (۱۳۹۲). شرکت دولتی مدیریت دارایی‌ها: راهکاری نوین برای رفع مشکل مطالبات غیرجاری بانک‌ها. ارائه شده در بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- انصاری، علی. (۱۳۹۰). دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی با تکیه بر وضعیت بدهکار. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۱.
- آهنگران، محمد رسول و ملاکریمی، فرشته. (۱۳۸۹). بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۰.
- بادینی، حسن و حسامی، محمد عزیز. (۱۳۹۱). بررسی مبانی فقهی قابلیت خسارت تأدیه وجه نقد از دیدگاه مذاهب اسلامی. دوفصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره یک.
- تسخیری، محمد علی. (۱۳۸۲). شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا. فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، شماره ۳۵.
- توسلی، محمد اسماعیل. (۱۳۸۴). بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۳۸۱). ربا. قم: بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). ولایت فقیه: ولایت، فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسرا.
- حسین آبادی، امیر. (۱۳۸۱). بررسی وجه‌التزام مندرج درقراردادها. فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۶.
- رضایی، مجید. (۱۳۸۰). بررسی فقهی جریمه تأخیر تأدیه. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶.

- زرقاء، محمد انس. (۱۴۱۱ق). جبران زیان دیرکرد در بدهی بین فقه و اقتصاد. مجله اقتصاد الاسلامی، جده، جامعه ملک عبدالعزیز.
- السان، مصطفی. (۱۳۸۹). حقوق بانکی. تهران: انتشارات سمت.
- السان، مصطفی. (۱۳۹۰). حقوق پرداخت‌های بانکی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- شعبانی، احمد و جلالی، عبدالحسین. (۱۳۹۰). دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۴.
- عادل، مرتضی. (۱۳۸۰). توافق بر خسارت در قراردادهای فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۳.
- عاملی، حر. (۱۴۱۳ق). وسائل الشیعه. بیروت: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث العربی.
- القری، محمد علی. (۱۳۸۴). مشکلات بانک‌های اسلامی و راه حل آنها. ترجمه غلامرضا مصباحی مقدم، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۰.
- کمیجانی، اکبر؛ عربی، سید هادی و توسلی، محمد اسماعیل. (۱۳۹۱). هدف اصلی سیاست پولی و نهاد تعیین‌کننده آن در نظام اقتصادی اسلام. دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۶.
- مسعودی، علیرضا. (۱۳۸۷). حقوق بانکی. تهران: انتشارات پیشبرد.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا و جلالی، حسن. (۱۳۸۷). کاوشی در حکم فقهی شرط‌های جزایی و تهدیدی در جریمه تأخیر در نظام بانکداری بدون ربا. پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۸.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۱). مجموعه نظرات شورای نگهبان. تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۲). مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه. فصلنامه متین، شماره ۱۹.
- موسویان، سید عباس و ملاکریمی، فرشته. (۱۳۹۵). تعزیر مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیرجاری در بانکداری اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶۴.
- موسویان، سید عباس و ملاکریمی، فرشته. (۱۳۹۴). جریمه تأخیر تأدیه. ویراست دوم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، سید عباس و میثمی، حسین. (۱۳۹۵). بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجارب عملی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ویرایش پنجم.

- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۴). بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران. فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۴.
 - موسویان، سید عباس. (۱۳۸۵). بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا. فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۸.
 - موسویان، سید عباس. (۱۳۹۰). طرح تحول نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی بانکداری بدون ربا. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - نجفی، محمد حسن. (۱۴۱۷ق). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
 - ندری، کامران و محرابی، لیللا. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی مطالبات غیرجاری نظام بانکی ایران با سایر کشورها. ارائه شده در بیست و پنجمین همایش بانکداری اسلامی.
 - هدایت‌نیا، فرج‌اله. (۱۳۸۳). خسارت تأخیر تأدیه: آسیب‌شناسی فقهی قوانین. قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه.
 - وحدتی شبیری، حسن. (۱۳۸۲). مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲.
 - یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۱). ربا و تورم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۳). راه‌های جبران کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳.
- Mishkin, Frederic. (2013). The Economics of Money, Banking and Financial Markets. 10th Edition, Princeton: Prentice Hall.
 - Sulayman. A. (2011). The Problem of Late Payment in Islamic Banks. Jeddah: King Abdulaziz University.

